



۲۰۱۶/۱۰/۳۰



مصطفی «عمرزی»

از ذهن گنبدیده گی تا شکستن مرز گستاخی (سقازاده گان، هار شده اند!)

پس از چاپ یکی از کتاب هایم (حقیقت خورشید) طبق سنت اهدای فرهنگی، آن را به یکی از بزرگان فرهنگ و ادب ما، تقدیم کردم. جمله ی یادگار این اهدا «فرزانه مرد سیاست و فرهنگ بود»، اما صفت «مرد سیاست» آن در تبسم یک آزاده گی، عکس العملی شد که: «سیاست اش را نمی پسندم، زیرا بر ما تحمیل شده است.» منظور گوینده، هجو سیاست زده گی جامعه ی افغانی ست که در تنوع بازاری ترین اشکال، در حد بدترین تعاریف علم سیاست سقوط کرده است. حسرت قلم به دستانی که می کوشند از مزیت ظرفیت فکری، طبیعت و ودایع الهی را ادبیات کنند، برای نسلی از ما، که قلم پردازان بحرانییم، به یأس و اندوهی می ماند که باید همواره از عقب عینک سیاه سیاسی در نوبت آن رسید. شاید پا به پای بحران تحمیلی که از 7 ثور آغاز می شود، کمیت کار فرهنگی ما کم نباشد، اما به جرات می توان گفت کیفیت آن در مقایسه به ارثیه ی تاریخی- فرهنگی، میلان به نفع سیاست ها و ایدئولوژی هایی ست که در پیامد آن ها، دورنمای کار فرهنگی افغانی، استمرار و سماجت بر ارایه ی ادبیات سیاسی می شود که اگر از سواد نویسنده بهره ببرد، قواره دارد، اما اگر در تنوع اهل جهالت ارایه شود، نباید بسیار ناراحت شد که آن چه به نام تبیین ادبیات سیاسی، وفرت فرهنگی- رسانه یی ما شده است، چرا سخیف، غیر منطقی و رکیک است.

هنوز از مرده پرستی و قبرکشی جنبش سقاوی، کمیت اخبار و فعالیت های فرهنگی ما در انواع قرار دارد و به یاد داریم که چه گونه در جاده ها ریختند و از ریخت چهره های منحوس خود، درس های دیگری گذاشتند تا بدانیم قهرمانان تنظیمی نوع غیر افغانی، حیثیتی فراتر از همان دزدان و غرچه گان قراء و قصبات خودشان ندارند، رهروان جهالت و نادانی که اکنون پیش کسوتان ستمی در حد سقوط سقاوی را با پکول داران و دستمال گردنایی معرفی می کند که هر کدام اعمالنامه ی دون بودن آنان در حیای حضور است، پس از برپایی نمایشات سقاوی و سقازاده گی، دست پروردگان اجنبی وارد فاز دیگری از هرج و مرج اجتماعی شده اند که اگر کسی از میان آنان شعور ملی می داشت، مانع می شد در چند قدمی هزاران عدو و عداوتی که آدرس مشخص نمی شناسد، بر آن دشواری هایی ما نیافزایند که اینک هجوم مشکل از اشکال آن است. پخش تصاویر بی نهایت شرم آور، جاهلانه و مزورانه ای که نشان می دهد سوراخ نشینان سقاوی پس از حرمان های مقاومت در کوه ها و دشت ها، اینک کورموشانی را مانند که گشت شبانه می زنند و از قی، مدفوع و گنده گی آنان، ناگزیر باید تشکیلات شاروالی را در حدی بزرگ کنیم که به دور از دسترس تیم گل مرجان، کثافات کسانی را پاک کنند که شبنامه ی مرداری پخش می کنند.

«ما افغان نیستیم»، مجموعه ای از حُسن نگارش سقاوی به اوزان ستمی، کلکانی و ربانی، ساخت اجنبی در بسیاری از نقاط شهر کابل، کثافت زباله های دیگری ست که یکی از خود نمی پرسد، چرا برای این طایفه ی غرچه دنباله رو اجنبی، موقع می دهیم و چرا به تره که ای برویم که اگر هرکسی بر اساس سهم امتیاز فرهنگی، تاریخی، انسانی و وجدانی خویش بخواهد، اینان برای سقاوی، دزدی، چور، خیانت و انحصار، آنهم به خاطر بادران اجنبی می خواهند. **مگر بهای این بهایم چند است؟ که باید سرنوشت مملکت را در حضور اجنبی با آنان بنویسیم و خوش باشیم که در تمامی مواد آن، نه افغان بمانیم، نه افغانستان بماند و نه از تاریخ ما، خبری باشد.**

همین که با طیفی از قشر حقیر و بدنام، این کشور و ملک حداقل در 15 سال گذشته، بار اش کج شد و به منزل نرسید، بس نیست؟ که حالا مرز گستاخی بشکنند و گروهک خاین و بحران زده از راه «غیر مستقیم» ارادل و اوباش، به صراطی ژاژخواهی کنند که معلوم است برای رسیدن به بهشت، از راه دوزخ نمی روند. هنوز جراحت بی شرمانه ترین توهین ها، فحاشی ها، بی ادبی ها و پلیدترین نوع حضور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنان بر دل هر افغان دردمند است که بدون شک معادل آن را با قبول فحش های رکیک، مناسب آن دل خواسته های کنند که وقتی طایفه ی غرچگان گماشته شده، مدعی می شود فکر می کند سقاوی، خراسانی، پارسی و آریایی، شانی ست که اگر چیزی در حد نجابت برای آن چند کلمه بپذیریم، هرگز زیب کسانی نیست که با دو بار حاکمیت نحس، نجس

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

و پلید (کلکانی- ربانی) خودشان و وزن شان را در میزان ارزش های افغانستان، وزن کرده اند و حتی در میان زبانه ها نیز جای پایین دارند.

دهن گنبدیده گی های فرهنگی، رسانه یی و ادبی را تحمل کردیم، زیرا تعهد داده بودیم که در تاریک ترین تکدر تعریف، دیموکراسی در حد وقاحت نیز توجیه می شود، اما برای آن چه اکنون شروع کرده اند، به زودی اجندا و برنامه هایی درست می کنیم که اگر کسی با ادعای خراسانی، آریایی و پارسی آمده از ایران برای ما مزیت بخواند و از مدرک 8 ثور، 18 سنبله، کلکانی و ربانی، سود سیاسی در انحصار دولتی ببرد، جواب ما واضح باشد: آن چه می فرماید، به فحش های رکیکی می مانند که نثار دشمنان این کشور می کنیم.

از شاروالی این حاکمیت بی حیثیت می خواهیم- به زودی به سراغ گند سقاوی بروند و با پاک کردن جملات «ما افغان نیستیم»، فرصت نسازند تا با تداعی تاریخ کریه سقازاده گان، حرمتی را که برای ارزش های خودما در رعایت مصالح، نثار آنان می کنیم بشکنیم و در معامله ی به مثال، کسی از دوستان، خوب گفته بود: بهتر است در پایان جملات سخیف آنان بنویسیم: **بلی، شما ... استید!**

راه حل و چند پیشنهاد:

- هرچه زودتر حداقل روند تسویه ی حساب با سقازاده گان از آن ادارات دولتی آغاز شود که در راس آن ها نیستند.

- در جذب افراد نو، پیشینه ی تنظیمی- سقاوی آنان برای رفع آلودگی ها، از اصول استخدام ادارات دولتی افغانستان شود.

- قطع روابط اجتماعی با سقازاده گان و تحریم حضور آنان در میداین ملی و رسمی.
- منع داد و ستد با سقازاده گان و نظارت ارگان های امنیتی از شیوه ی کاری و زنده گی آنان.
- تدویر جلسه ی فوری اعضای شورای ملی برای تصویب قانون «اتباع درجه دوم».
- دستگیری اوباشان سقاوی که مرتکب ادبیات وقیح ضد افغانی و ضد ملی می شوند.
- اجماع فرهنگی ملی برای پاسخگویی و معامله ی به مثل در برابر هتاکی ها و گستاخی های ستمی- سقاوی.
- منع فعالیت رسانه یی، فرهنگی و سیاسی- به بخصوص اعضای سقاوی و ستمی مانند پدram) دست آموز اجنبی).

- دولت با مراجعه به ملت و تبیین خطرات ناشی از زیاده رویی های سقازاده گان، بسیج ملی را اعلام کند و بر تمامی افغانان است تا در تمام ولایات افغانستان با عکس العمل به موقع و حساس در رسوایی، نفی و طرد سقازاده گان بکوشند.

حرکت شرم آور اخیر (نوشتن جملات ما افغان نیستیم در دیوار ها و تعمیرات شهری) هرچند از وقاحت گروهک مدعی فرهنگ بالا، حکایت می کند، اما نباید در حدی قبول شود چنانچه با ترفند هراساندن تکنوکراتان افغان از مساله ی گسست و آشوب، انحصار، خیانت ها و دزد ها را تداوم بخشیدند. در واقع با گرایش به هرج و مرج عمومی، نه فقط تفر عامه نسبت به سقازاده گان، در عکس العمل به مثل، اوج می گیرد، بل گروهک انحصارطلب که تا مغز استخوان، با زور و ندانم کاری های جامعه ی جهانی بر سیستم دولتی تحمیل شده است، با از دست دادن تمامی امتیازات دولتی که بقای آن ها فقط به حضور جامعه ی جهانی، بسته گی دارد، به زودی با تاراج و چپاول هایی مواجه خواهند شد که از غصب زمین تا اعمار بلندمنزل ها، خانه ها و واحد های مسکونی و تجارتي، در همه جا، حضور ننگین خود را با حیف و میل و پول های دزدی به ثبوت رسانیده اند و بقای این حالت، بسته گی به شعور آنان در قبول واقعیت هایی ست که اکنون با بسیج چند غرچه و قواد، می خواهند جامعه را بی ثبات کنند. در حالی که می دانیم ظرفیت های سقاوی، همانند حاکمیت ملا ربانی، در حفظ بند تنبان خودشان نیز با آن ظرفیت اقلیتی مشکل دارد و درامه ی هتاکی ها و گستاخی ها، فقط باعث تشویش مردمان چند منطقه ی کابل می شود، اجازه ندهیم ظرفیت کلی جامعه در حالی که هزار مشکل دارد، باکشیده گی بحران سقازاده گان، در اموری مصرف شود که می دانیم «مصرف مدفوع، همان زمین های ترکاری ست.» سقازاده گان را در حد مصرف پارو، نگه داریم و اجازه ندهیم گند شان را شهری سازند.

در ذیل تصاویر ننگینی از گنده گی های جدید سقاوی را می بینید که زمینه آشوب بعدی را به نفع بادران اجنبی شان در بین ملت یک پارچه افغانستان براه انداخته اند. قباحات و حقارت آنها در بدل پول تاجای افزون شده است که فردا مثل امروز بی شرمانه با افتخار! خواهند نوشت مرگ بر افغانستان، زنده باد بیگانگان!

د پاپو شمیره: له 2 تر3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلینکي د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی



د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ